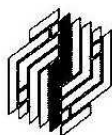


جوانان درباری و آرمان شهر

www.ketab.ir

سید حمید روحانی



سرشناسه: روحانی، سیدحمید، ۱۳۳۰

عنوان و نام پدیدآور: جوانان درباری و آرمان شهر / سیدحمید روحانی
مشخصات نشر: تهران: بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری: ۲۵۸ ص، ۳-۶-۹۰۸۶۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه

موضوع: حجت کاشانی، بهمن، ۱۳۲۳ - سرگذشتنامه

موضوع: ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷

موضوع: Iran - History - Pahlavi, 1941 - 1978

موضوع: ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰ - جنبش‌ها و قیام‌ها

موضوع: Iran - History - Pahlavi, 1925 - 1941 - *Protest movements

شناسه افزوده: بنیاد تاریخ پژوهی ایران معاصر

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۳۹/ح ۱۴۸۶ DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۵۵۴۲۱



بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی

جوانان درباری و آرمان شهر

سید حمید روحانی

مشخصات نشر: تهران، بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۸۶۸-۶۰۰-۹۷۸ چاپ: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه، قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق این اثر به ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان دیباجی جنوبی، خیابان شهید تسلیمی، خیابان شهید نماز زاده، کوچه دادآفرین، پلاک ۶

تلفن: ۲۲۵۷۹۱۹۲-۵ نمابر: ۲۲۷۶۱۲۶۴ صندوق پستی: ۷۳۸۵-۱۹۳۹۵

www.iranemoaser.com

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۷	جوانان درباری و آرمان شهر
۲۲	بهمن حجت کاشانی در جست و جوی مدینه فاضله اسلامی
۲۶	بهمن کیست؟
۳۱	بهمن در زندان
۳۴	فراخوانی به آرمان های قرآنی
۴۰	علی پهلوی، نخستین شاگرد مکتب آرمان گرای بهمن
۴۸	کاترین عدل و تلاش در راه رستگاری
۵۲	زایمان معجزه آسا
۶۶	هجرت به خرم دره و پایه ریزی آرمان شهر
۹۹	جریان کشته شدن دو تن از کارگران
۱۲۱	شتاب به سوی شهادت
۱۲۸	واپسین سرنوشت بهمن
۱۳۵	گردآوری سلاح ها و مهمات
۱۳۶	سقوط آرمان شهر بهمن در خرم دره و دستگیری علی پهلوی

۱۴۱	پیرایه تراشی ها و دروغ پردازی ها
۱۴۹	علی اسلامی در زندان
۱۵۲	نامه هایی از زندان
۱۵۴	نامه هایی به خانواده
۱۶۰	علی اسلامی در تبعید
۱۷۱	بازتاب خیزش و خروج بهمن حجت کاشانی
۱۸۲	شاهکاره های یک تحریف گر تاریخ
۱۹۱	اسناد و مدارک
۲۴۹	فهرست اعلام

www.ketab.ir

مقدمه

تاریخ چه می گوید؟!

رنگ سرخ شفق، گویای خون‌های آذرگون و خروشان است که در درازای تاریخ از هابیلیان بر زمین ریخته و جاری شده است. رهروان راستین مکش و شهادت از دورترین روزگاران تا به امروز، سراپرده زندگی را با خون پاک خویش آذین بستند و در هر عصری و در میان هر نسلی نور پاشیدند، به جان‌ها گرمی بخشیدند، به سوی آفتاب پرکشیدند و با تاریکی و تیرگی، شب و سیاهی، شب‌آوران و شب‌باوران، ستیزی نستوه و پایان‌ناپذیر داشتند و دارند. مشعلداران آزادی و عدالت و رهروان راستین راه سرخ ولایت، بیدارگران و روز آفرینانی اند نه شعله‌های آزادی‌بخش زندگی را با خون خود، رمق و رونق بخشیدند و استوار ساختند، تا چهره آفتاب در پس ابرهای تیره نادانی، تباهی و تبهکاری، از نور آفرینی بازنماند و سردی و سستی، ذلت و رذالت و خواری دامان نگستراند، انسانیت انسان از میان نرود و فراموش نشود.

برگ‌های ارغوانی تاریخ، نمایشگر حماسه آفرینی‌های زیبای فضانوردان بی آرام آسمان ولایت و طلایه‌داران آزادی و عزت است که خون پاکشان در فلات پهناور گیتی، در دامان دشت‌ها، کوه‌ها، درون هامون‌ها، تالاب‌ها، کوهسارها و غارها، از مراکز جان‌بخش و روح آفرین مساجد، مدارس،

حوزه‌ها و دانشگاه‌ها، تا میدان‌های نبرد حق علیه باطل و تا خیابان‌ها و کوی و برزن‌های پر جنب و جوش شهرها و آبادی‌ها، تا محله‌های تنگ و تاریک زاغه‌نشینان و تا صحنه کارزار مدافعان حرم و... جاری شده و همه جا را خونین و رنگین کرده است.

شب پرستان و ستم‌پیشگان که از نور و روشنائی سخت هراسان و گریزانند، در راه نگرهبانی از تاریکی و سیاهی خون می‌ریزند، پرچمداران روز و روشنائی را به خاک و خون می‌کشند. این خونریزی‌ها، آتش افروزی‌ها و فضیلت‌سوزی‌ها، همه و همه برای آن است، که از انسان‌ها برده و بره بسازند و آنها را از هویت و شخصیت و شرافت انسانی تهی سازند و نومیدی و افسردگی و تیره‌بختی را در جام... گ... رش دهند و همگان را به هیچی، پوچی و بی‌تفاوتی بکشانند، غیرت، حمیت، کرامت انسانی، آزادی را از آنی بخواهی و استقلال را از میان ببرند، ذلت‌پذیری، تسلیم‌پذیری، وادادگی، سازش و کرنش، جام آدم‌نشی، غیرتمندی، عزتمندی، شجاعت و شهامت بنشینند. نگرهبانان تاریکی و سیاهی هیچ‌گاه بار ندارند که خون به ناحق ریخته فریادگران و روزآفرینان بخروشد، موج پدید آورد، اوج بگیرد و کانالستان کور دل را در کام خویش فرو برد.

آن روز که بزرگ بیدارگر عصر عدالت، خواست، شیخ فضل‌الله نوری را به دار کشیدند بر این باور بودند که اندیشه‌های ضد صلیبی و ضد شرقی را در فریانگاه برده و آفتاب آزادی و آزادمنشی را برای همیشه در چاه افق به بند کشیده‌اند لیکن دیر، نیاید، که از خون آن شهید لاله‌های سرخی روید و گلزارها و گل‌هایی پدید آمد، گل‌هایی که هم... خروج خورشید شکوفا شدند و همه جا را عطر آگین کردند. ابرمردانی مانند مدرس، کاشانی و... و حمینی از اروان راستین راه شیخ فضل‌الله نوری‌ها بودند و اندیشه‌های والا و درخشان آن شهیدان را جا به جا کردند و پیش بردند. در آن دوران تاریک که جغد شوم استبداد با چنگال خون‌ریز خود، گلوی ناب... بوی‌ها را درید، هیچ‌گاه باور نداشت که از قطره قطره خون آن فریادگران نستوه صادق‌امانی‌ها، محمد بخارایی‌ها و علی‌اندرزگوها خلق شوند و لرزه بر اندام کاخ‌نشینان افکنند و چراغ امید را در دل‌ها روشن سازند و راست‌قامتان و فرزاتگانی مانند سید محمد رضا سعیدی، شیخ عبدالحسین سبحانی، سید مصطفی خمینی و... درفش آزادی را بر دوش کشند و چون خورشید شامگاهی نور بیافرینند. آن‌گاه که شب پرستان کور دل و خون‌ریز، فرزندان انقلابی امام خمینی و طلایه‌داران حکومت اسلامی مانند سید حمید رضا فاطمی، محمد علی موحدی، محمد علی باقری، بهمن حجت

کاشانی، کاترین عدل و... را به کیفر عشق به حکومت اسلامی، یکی پس از دیگری به کام مرگ فرستادند، در این خیال خام سیر می‌کردند که اندیشه حکومت اسلامی را با آن حماسه‌آفرینان به خاک سپرده‌اند و شام تار و شب دیجور را پایدار ساخته و سپیدی صبح و درخشندگی آفتاب را از میان برده‌اند. آنها از این نکته باریک‌تر ز مو بی‌خبر بودند که آرمان‌های والای انسانی و اهداف قرآنی فناپذیر است و به گفته سید جمال‌الدین اسدآبادی «انعدام صاحب نیت، اسباب انعدام نیت نمی‌شود». از این رو، همگان با چشم سر دیدند که ایده و اندیشه والای فاطمیون به بار نشست و حکومت اسلامی به عنوان «میثاق ملی» فراگیر شد.

نابکاران سب‌پرستانی که به ریختن خون فرهیختگانی چون مطهری، بهشتی و بیش از ۷۲ تن از اندیشمندان، استادان، زهادت‌مندان و محراب‌عبادت را به خون محراب‌نشینان خودساخته و پاک‌باخته رنگین کردند، با این بداد، اسل‌دل خوش داشتند که با این جنایت‌ها و جفاکاری‌ها، آفتاب تابان فضیلت و انسانیت را از افق انسانی پنهان می‌دارند و راه را برای بازیگری دون پایگان و گنداب‌نشینان و ژغندگران انسان‌نما باز می‌کنند. سگ را بسته و سگ را رها می‌سازند، لیک دیدند که خون سیال آن «شهدای فضیلت» چگونه «نیوت عنک‌ه‌تی» جانوران گزنده و خزنده در دخمه‌های تیره و تار و تاریک خانه‌ها را ویران کرد و راسیده‌های والا، سازنده و آموزنده آن اندیشمندان و نوراندیشان را در چکاد قله‌های دانش و فضیلت جلوه گر ساخت.

دوران حماسی هشت سال دفاع مقدس و یورش وحشیانه صدامیان و حرامیان جهانی ضد ایران، در واقع جنگ جهانی سوم بود که یک سوی آن ایران اسلامی، انقلابی، ایران قهرمان پرور و شهادت‌گستر ایستاده بود و سوی دیگر آن نگهبانان سیاهی و تبار زجران خواران و زورمداران وحشی و میان‌تهی صف کشیده بودند تا ایران را از نورافشانی باز بدارند. ما دیدیم سپیده انقلاب در ظلمت کده‌های جهان پیشگیری کنند، غافل از آنکه قرآن کریم با صدای رسا بانگ می‌زند که نور خدا با پف‌های سست و بی‌رمق کفرپیشگان خاموش نمی‌شود^۱ و بی‌تردید آفتاب انقلاب در وحشی‌آباد غرب و شرق دامن می‌گسترده و کران تا کران را روشن می‌کند هر چند شب‌آوران و شب‌باوران را خوش نیاید.

و آنچه امروز در سوریه در خون طپیده و عراق و لبنان و افغانستان و دیگر کشورهای آسیا و

آفریقا چون نیجریه محروم می‌گذرد و پسین دست و پا زدن‌های مرگبار خفاشان خون‌آشام را نشان می‌دهد که از صدای پای آفتاب به وحشت افتاده و دریافته‌اند که سیاهی‌ها و سیه‌کاری‌ها ناپایدار است و به زودی سپیده انقلاب می‌دمد و به تاریکی و تاریک‌اندیشی پایان می‌دهد و با به بند کشیدن نور آفرینان فرهیخته مانند، شیخ عیسی قاسم‌ها، شیخ ابراهیم زکراکی‌ها، شیخ علی سلمان‌ها و با به قربانگاه بردن شیخ نمره‌ن‌توان آفتاب را از نورافشانی بازداشت.

این سخن دیروز و امروز تاریخ است. تاریخ این را می‌گوید تا خردمندان و اندیشمندان به خود آیند و از آنچه گذشت و می‌گذرد پند بگیرند، بیدار شوند و جان‌شان را از چنگ و چنگال عفریت خون‌آشام سیاهی برهانند.

و امروز دریغ! ♦

حرامیان عقیده و اندیشه بر روی می‌زی و درون مرزی که دریافته‌اند توان از پی افکندن درخت تنومند انقلاب اسلامی را ندارند. استین را نمی‌توانند از درخشندگی و پرتوافکنی باز بدارند، هجمه به اصالت‌ها را در دستورات قرار داده‌اند. آنها به درستی دریافته‌اند که هرگاه اصالت‌ها کمرنگ شد و گام به گام کمرنگ شود، انقلاب از درون فرو می‌ریزد و آسیبی سنگین می‌بیند. اینجاست که می‌بینیم که اشرافی‌گری، شرافت‌پروری و درآمد‌های میلیاردری در میان برخی از سردمداران رواج می‌یابد. دو اصل اصیل امر به معروف و نهی از منکر با دستاویز اینکه مردم را با شمشیر نمی‌توان به بهشت برد کنار گذاشته می‌شود. فرقه‌هشتگان و فرومایگان رفاه طلب و رفاه طلبان بی‌درد بر کرسی ریاست تکیه می‌زنند و با حق‌نویسی و زندگی اشرافی به مردم یاب‌رهنه و دردمند و مرزبانان انقلاب دهن کجی می‌کنند، رهروان سبیل‌ساز راه امام و انقلاب را تندرو، خشونت‌طلب و افراطی می‌خوانند و آزاداندیشان دلوایس انقلاب را بی‌سواد، دنیا ندیده، بی‌شناسنامه و... می‌نمایانند و ارزش‌هایی را که اسلام به انسان داده است نادیده می‌گیرند، بی‌هنران پست و میان‌تهی و شب‌زده‌های گنداب‌نشین به عنوان افتخار کشور!! مورد ستایش قرار می‌گیرند و برای آنها نکوداشت برپا می‌شود و در برابر هنرمندان راستین و قهرمان‌پرور کشور را کنار می‌زنند و نادیده می‌گیرند چنان‌که مقام معظم رهبری هشدار دادند:

... متأسفانه گاهی از فردی که ذره‌ای گرایش به مفاهیم اسلام و انقلاب اسلامی نشان نداده است تجلیل می‌شود اما از هنرمندی که همه عمر و

سرمایه هنری خود را در راه اسلام و انقلاب گذرانده است تجلیل و به او توجه نمی‌شود...^۱

چرا؟ چون هدف رویارویی با اصالت‌ها است نقشه آن است که نسل امروز را به پس روی و کژروی بکشانند و اصالت‌ها را از او بگیرند. اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی و کارکرد زشت و فضاقت‌بار برخی از مسئولان، دوران سیاه اموی‌ها و عباسی‌ها را به یاد می‌آورد که بازراندوزی و زندگی اشرافی و سلطنتی نسل آن روز را فرسنگ‌ها از اسلام دور کردند که باید بگوییم: من از تکرار تاریخ می‌ترسم. البته آنچه را که از زبان تاریخ در صفحه پیش گذشت، نباید از نظر دور داشت که باطل و سیاهی ناپایداری و زرد نیست و نور و روشنایی جاوید و همیشگی است، سازش کاران و تسلیم‌طلبان بی‌درد، تاریک‌اند. سرها ستند که سرنوشتی بهتر از دیگر نگهبانان شب و سیاهی ندارند و این جوله‌ها هستند. بایستی که ناپایاست و به زودی از آسمان انقلاب و ایران انقلابی زوده می‌شود و راه شهادت، جهالت، غیبت، فداکاری و از خودگذشتگی ریشه در فطرت انسان دارد و از آنجا که مکتب خون رنگ تشیع به فطرت است بدون تردید این آرمان‌ها و اصالت‌ها پائیدار و جاویدان است و هیچ‌گاه دفتر عشق و شهادت بسته نمی‌شود و راه شهیدان بی‌رهرو نمی‌ماند، چنان‌که اکنون می‌بینیم به رغم جوسازی، میپاشی‌های گسترده سازشکاران تاریک‌اندیش، انقلابی‌گری و شهادت‌طلبی فرزندان رشید این مرز و بوم در راه دفاع از حرم بزرگان دینی و مراکز مقدس مذهبی چه حماسه‌هایی به همراه دارد و چه سختی‌هایی به بار می‌آورد زیرا که فرزندان انقلاب اسلامی اندیشه شهادت و غیرتمندی را با شیراز مادر گرفته‌اند و باور دارند که کانون روشنایی در پس تیرگی‌هاست و از سیاه‌اندیشی‌ها نباید هراسید و نباید و نباید با شب‌باوران و شب‌آوران کنار آمد و همنشین شد باید در برابر سیاه‌کاری‌ها و نابکاری‌ها خیزید، خروشید، شورش راستین به پا کرد.

کتابچه پیش‌روی شما، تاریخ تلخ و شیرین یکی از طلایه‌داران حکومت اسلامی به نام بهمن حجت کاشانی است که همراه با همسرش کاترین عدل از درون پادگان نظامی و دربار شاهنشاهی به پیام آسمانی امام لبیک گفتند و از شوکت و صولت مادی و زرق و برق ظاهری چشم پوشیدند و در راه ساختن آرمان‌شهر و برپایی حکومت اسلامی در قلمرو زندگی خویش به پا خاستند و

تلاش کردند تا «فلک را سقف بشکافند و طرح نودراندازند»

حرکت و خروش این دو آزاده از میان درباریان و نظامیان سرسپرده به رژیم شاه، نشان از این واقعیت دارد که نهضت اسلامی امام توانست تا ژرفای کاخ ستمگران رسوخ و رخنه کند و ندای ملکوتی خویش را به گوش ناشنوای کاخ‌نشینان سرمست قدرت و شهوت برساند و آن بیداردلانی را که هنوز سرشت نخستین خویش را از دست نداده بودند به خود آورد و به سوی نور و روشنایی بکشانند.

تاریخ زندگی حماسی بهمن حجت کاشانی و کاترین عدل در کتاب *نهضت/امام خمینی دفتر چهارم به سور*، فصل آمده است، لیکن بنیاد تاریخ پژوهی و دانش‌نامه انقلاب اسلامی برای بهره‌گیری بیشتر و آشنایی بیشتر با شجران و دانش‌پژوهان به انتشار جداگانه آن پرداخته است.

سلام بر شهیدان

سلام بر امام شهیدان

سلام بر جانبازان، آزادگان، رزمندگان، مبارزان و همه نیروهای انقلابی، بسیجی، حزب‌اللهی

و همه پویندگان راه امام و شهدا

سلام بر خانواده عزیز شهیدان

بنیاد تاریخ پژوهی و دانش‌نامه انقلاب اسلامی